



## حاج قائم مقام التولیه رضوی

واپسین مالکی بود که ملک فردوسی را بدو باز سپرد

یک روز بهاری سال ۱۳۱۳ به مشهد بود که در معیبت خال یادایی بزرگوارم جلاله الدوله (سید محمد جلالی) و مرحوم پدرم و در خدمت مرحوم حاج سید محمد علی قائم مقام التولیه رضوی با تومبیل هودسن آقای عیسی مستشار قائم مقامی روانه شهر طوس شدیم. هوا نیمه ابر بود و باد ملایمی می وزید، آرامگاه فردوسی با سنگهای مرمرین سر به آسمان می سایید، آب استخر در تلاطم بود و گل‌های شاه پسند و اطلسی در کناره، آن مشام را معطر می ساخت. چون از هوای مطبوع عصر بهاری و زیبایی آرامگاه سخن می رفت، مرحوم اسدی نایب التولیه سر رسید با لباسی ماشی رنگ که نشانی زرین بر کلاه لبه دارش نصب بود و لبخندی از رضایت بر لبان داشت به همگی خوش آمد گفت. سپس داخل محوطه آرامگاه شدیم، مرحوم اسدی دستورهایی در تکمیل و تسریع ساختمان می داد چه مقرر بود در مهر ماه همان سال به یاد هزارمین سال ولادت استاد طوس با حضور ایران شناسان خارجی و بزرگان ادب ایرانی در پیشگاه رضا شاه بزرگ مراسمی برگزار شود.

من که در آن زمان دانش آموز دبیرستان دانش مشهد بودم دیگر توفیق زیارت قبر سخندان بزرگ طوس را نیافتم ولی این خاطره‌ای شوق انگیز بود، در عین حال موحی از کنجکاوای در مخیله‌ام به وجود آورد چگونه قبر فردوسی خداوند سخن پارسی از پس هزار سال بجا مانده و از این که به دستور رضا شاه احداث بنامی شود احساس غرور می کردم ولی به گواهی تاریخ کمتر در عمارت و نگاهداری قبوری جز اولیاء و صاحبان کرامت تمایلی مشهود بوده. آیا این آرامگاه در همان باغ فردوسی است؟ همان باغی که نزدیک دروازه رزان بود در قریه باژ از ناحیه طابران؟ چنانکه نظامی عروضی سمرقندی در چهار مقاله گفته

اما آن روز ما به شهر طوس رفتیم بلکه عازم اسلامیه شدیم چه هنوز عنوان شهر طوس چندان بر زبانها جاری و عادی نشده بود اسلامیه که همان باژپیشین است ملک حاج قائم مقام رضوی بود که مساحتی از آن راکه شامل قبر فردوسی بود برای احداث آرامگاه و محوطه به انجمن آثار ملی اهدا کرده بود . انطباق این دو محل مرا به خود داشته بود . تا امسال نامه‌ای به سید محمد جلاءالدوله به مشهد نوشتم از او که در خراسان به ویژه مشهد بسیار سرشناس وثقه است پرسیدم چگونه قبر فردوسی در باژ با اسلامیه حاج قائم مقام مطابقت می‌کند و دلیل وجود قبر فردوسی در این محل چیست و دیگر مسائل در احوال حاج قائم مقام خسر ( پدر زن ) خویش . از بخت خوش چندی بعد به تهران آمد و پرسشهای مرا حضوری جواب داد او چنین فرمود :

مرحوم حاج قائم مقام که مالک بزرگی بود هر سال برای سرکشی به املاکش به اصطلاح روز بلوک گردشی می‌کرد . ۵۶ سال پیش که هنوز سمت مصاهرت وی را نداشتم ولی به عنوان خواهرزاده عیال وابستگی نزدیک داشتم در خدمت ایشان به اتفاق پدر آقائقی مدرس رضوی وعده‌ای از مباحران آستانه به اسلامیه رفتیم . به باغ محصور بزرگی که سراسر درخت زردآل بود وارد شدیم ضمن گردش که سخن از سفیدی و شیرینی زرد آلوها بود در گوشه‌ای از باغ به خاک برآمده‌ای بر خوردیم و بر آن قبر برجسته‌ای به طول دو متر که رویش کاهگل کرده بود ملاحظه شد مرحوم آقا و پدر آقائقی مدرس و دیگران اظهار داشتند این قبر فردوسی است که هر چند سال یک بار آن را کاهگل می‌کنند تا از گزند باران در امان باشد . تا به همت کمیسیون معارف به سال ۱۳۰۰ و اوامر رضا شاه و مباشرت انجمن آثار ملی بدین صورت احیا شد . . . "

چنانست که در همین دوران بود ایرج میرزا شعری در علت تأخیر احیاء آرامگاه سرود .  
ولی عوض کردن نام باژ به اسلامیه مبین حقیقتی تاریخی است که از کین شیخ ابوالقاسم گرگانی و تابعان برخاستی چنانکه در چهارمقاله و تاریخ‌گزیده مسطور است . شیخ به سبب آنکه فردوسی را موح گیران و معتزلی می‌دانست مانع شده که او را در گورستان مسلمانان به خاک سپارند . ناگزیر در باغش به نزدیک دروازه رزان در باژ دفنش کردند که حال از شیخ نفرت و از فردوسی بزرگی و افتخار به یاد مانده .  
اما تصور نمی‌رود به مجرد مرگ فردوسی و تعصب کردن شیخ این تغییر نام صورت گرفته این خاطره بجا مانده بود تا پس از حمله مغول شیخ ابوالقاسمهای نوعی تعصب را به کمال رساندند و نام تاریخی باژ را تغییر دادند . ( ۱ )

اینکه مالک بزرگی چون قائم مقام التولیه رضوی به هنگامی که سخنی از احیای آرامگاه نبود .



باغ زردآلوا سلامیه را به غریس قاطع همان باغ فردوسی و قبر او مشخص کرده از خاطره ایست که نسل به نسل از فروشنده به خریدار و همچنین از ساکنان وزارت عاقل محل به یاد مانده که سخنی مستند است .

بنابراین حاج قائم مقام التولیه (۲) رضوی آخرین مالکی بود که باغ ملک فردوسی را به رایگان بدو باز سپرد که امروز آرامگاه بس با شکوهش سر به آسمان می ساید و بر ایرانیان غرور می آفریند .

۱ - بیشتر آبادیهای اطراف مشهد و طوس نامهایی پارسی دارند چون تروغ و تروغید که به غلط طرق و طریقه خوانده می شود تروغ نوعی آب بند و سد را گویند و تروغید - آب بند باشد . شاندیز کته منار ( کلاته منار ) - نغندر - خایقون ( خایگان ) - بهرآباد - پری آباد - فلیان - شادکن - زرکش و غیره .

۲ - حاج قائم مقام التولیه از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۱ نایب التولیه آستانه رضوی بود و نیز متولی متوفیات سادات رضوی . با آنکه ملاک بزرگی بود و شاید در ایران کم نظیر ولی فئودال مسلک نبود او مردی متواضع و صاحب کمال بود و میل وافری به آبادی و احداث باغ داشت . چنانکه پیوسته چاقوی پیوند زنی در جیب داشت . او شوهر خاله مادرم بود و با همه مهربان . او چهار پسر و سه دختر داشت که مرحوم دانش بزرگ نیا داماد دیگر او بود . حاج قائم مقام رضوی به سال ۱۳۱۸ بدرود زندگی گفت .

# ماده تاریخ عمارت سلطانیه

## اثر طبع

میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط

ابر طبع او چه گهر چه خرف  
جهان دریکی عزم بگشود و بست  
که دارد از او بسته پسای ستم  
سروران آن شه بیهمال  
باین ره هم آهنگ آن جنگ داشت  
که آرد بتن جان شمیم صبا  
چهارم فلک خرگه جـاه او  
از آنجای لشکروی روس راند  
ملک از فلک خواندی الامرلک  
چو قصر فلک بابی آراسته  
که در قصر گردون فروزنده حور  
فلک بی سکون زفت ز آزرم او  
فلک رشگ آرد همی بر زمین  
گهر هم از او بست کلک نشاط  
همی عقد بر عقد درو درر  
بهر عقد از آن عقداین عهد بست  
دهد یاد آن سال فرخنده فال (۱)

شهنشاه دریا دل ابر کف  
جهانجوی عادل شه دین پرست  
بعالم حماری متین از کرم  
بسالی همیون و فرخ بفعال  
که با روسیان جنگی آهنگ داشت  
درین عرصه دلکش دلربا  
بنه پرده زدقبه خرگهـاه او  
درین دشت چندی بیاسود و ماند  
چوراندی ابراشهب دیوتـک  
زحکم وی این قصر پیراسته  
چنان اندرین قصر افکند نـور  
ملک چهره پوشاند از شرم او  
زمین گشت آرامگاهی چنیـن  
دراو چون به پیوست سلک نشاط  
بدین قطعه بنگر که پا تا بسر  
بدان عقدها بادو در؟ شهدبست  
بهر عقد او گرشماری لآل